

کتابچه بنیچه قزوین

در میان اوراق خسانوادگی نگارنده کتابچه ای خطی شامل هیجده صفحه موجود است که عکس چند صفحه از آنرا با اندازه حقیقی در همین مجله ملاحظه میکنید. این مجموعه که با خطی نستعلیق و خوش نوشته شده موسوم به کتابچه قرار داد افواج قزوین و تاریخ کتابت آن جمادی الاول ۱۲۸۶ هجری مصادف با ایلان نیل تر کیست و اینک یکصد سال از تاریخ نگارش آن میگذرد.

موضوع این کتابچه شرح مقررات سرباز گیری بطریق روش بنیچه، برای افواج قزوین میباشد و چون موضوع بنیچه در تاریخ ارتش ایران مبحثی بس مهم است نگارنده مناسب دید با توجه بقدمت آن نسخه خطی، بمنظور حفظ مدرکی برای تدوین تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران، متن این مقررات در مجله بررسی های تاریخی منتشر گردد و برای روشن شدن اذهان در مورد کلمه بنیچه و مفهوم آن کفایت قسمتی

از

سرینت تهر معروف مقدر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 کتابچه قسار و افواج مشرفین در
 پاره پاره نیلان نیل خیریت دلیل بقا
 دولت و استنجدی (۱۲۶۶) سحر
 حکم کرشن سر باز از محسن بر حسب اراده علیه
 بهایونی حکم کلیه این است که افواج مغان

محروسه از روی بجهتین و ترتیب شود
 محسن اینکه در اغلب جاها تقسیم سر باز
 بدون بجهت اسباب ستم شریکی شده بود
 اولیای دولت قاهره بملاحظه ترفیقه
 و آسایش رعیت قرار نوکر را بر بجهت دادند
 حکم و دستور العمل این مقرر بعد صاف
 خواهد شد و از همان نظر همه جانی تخلف قضا
 بجهت استنجدی (۱۲۶۶) سحر

عکس دو صفحه ابتدای کتابچه

از آنچه را که دانشمند معظم آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه در فرهنگ فارسی خود نوشته‌اند در اینجا نقل کنیم. †

در فرهنگ مزبور زیر عنوان بنیچه چنین نوشته شده است :

« بنیچه در اصطلاح مالیه سابق عبارت از صورت تقسیم مالیات هر ده بر آب و خاک آن ده است که سهم هر جریب زمین با ساعت آب یعنی واحد مالیاتی را معین و بدهی هر ملک را از کل مبلغ مالیات مشخص نماید. برای اینکه قشونگیری هم مثل مالیات بر پایه اساسی مستقر شود بنیچه مالیاتی را مأخذ دادن سر باز هم مقرر داشتند»

اینک متن کتابچه قرارداد افواج قزوین از نظر خوانندگان میگذرد :

کتابچه قرارداد افواج قزوین در هنده السنه ثیلان ثیل خیریت دلیل مطابق

سنه ۱۲۸۶ هجری

« حکم گرفتن سر باز از محل، بر حسب اراده علیه همایونی حکم کلیه این است که افواج ممالک محروسه از روی بنیچه تعیین و قریبیت شود محض اینکه در اغلب جاها تقسیم سر باز بدون بنیچه اسباب ستم شریکی شده بود اولیای دولت قاهره بملاحظه ترفیه و آسایش رعیت قرار نو کررا بر بنیچه داده‌اند حکم و دستور العمل این فقره بعد صادر خواهد شد و از همان قرار همه جابی تخلف رفتار نمایند.

شرایطی که مجمل اشاره میشود در رفع پاره معایب است که از برای رعیت و اشخاص سر باز بده حق شکوه باقی نماند و اظهار تعدی و تعظم ننمایند و حدود این عمل بقواعد نظامی معین باشد.

شخص سر باز را هر محلی از نفوس خودش باید بدهد که بتدریج سر باز داوطلب موقوف خواهد بود سوای رودبار و الموت که رعیت و سکنه آنجا بکار سر بازی نمیآیند.

حدود - جوانی و علاقه و قواره سر باز محض آسایش مردم سه قسم بر حسب تفاوت اندازه برای قد سر باز معین شده فرستاده شد که پست تر از این درجات در

† در یکی از شماره‌های آینده از بنیچه و تاریخچه آن بتفصیل گفتگو خواهیم کرد.
(بررسی‌های تاریخی)

هر یک از فئات نظامی را باید با اطلاع صلواتی
 انجام داده در هر سری از بجزئی هرگاه بدو
 حکومتی رفتار نماید مورد موافقت خواهد بود
 کتابچه قواعد سر باز فروین است مخفی است که
 ولایت این سنگی را نمایند که در باب سربازان
 و غیره تعدی می‌شود حد و در این کتابچه
 که رئیس فوج و صاحب منصب جزو و صاحبان
 تکلیف خود را داشته بجا پاورند در وقت

و موعود حق تکلیف خود را بدینست اگر از این
 حد و صاحب منصب تکلیف کند رعیت حق
 دارد و هرگاه صاحب محصل تجاوز نماید
 پذیرفته نخواهد شد و نامور نظامی
 خود رفتار نماید مضمون این کت بچگونگی
 بخلاک و صاحبان محصل ابلاغ نمایند
 شهر جاموی الاو
 ۱۲۱۵

موند

عکس دو صفحه آخر کتابچه

نظام کلیهٔ دول معمول و مقبول نیست. بلکه درجهٔ سوم این اندازه کمتر مقبول است محض اینکه برای رعیت توسعه در باب اندازهٔ سرباز باشد این سه درجه رعایت شده است.

نمرهٔ ۱ یک ذرع و سه چارک - نمرهٔ ۲ یک ذرع و نیم و یک بهر - نمرهٔ ۳ یک ذرع و ده گره از این قرار شخص سرباز بده خواهد تکلیف خود را دانست اگر فوق این حدود پیدا کرده باشد مورد تعسین است و اگر بیست تراز اینها بخواهند آدم کوتاه بدهند مقبول نمی‌شود. نه این است هر کس درجهٔ سوم اندازه را حد سرباز خود دانسته قرار بدهد بلکه ترتیب او اینست :

اگر یک محل مثلاً سه نفر سرباز بدهی دارد هر سه اندازه را باید رعایت و ملاحظه کند.

اگر دو نفر است . درجهٔ اول را باید بدهد .

اگر یک نفر است . درجهٔ دوم کافیست .

صاحب محل هر شرطی را خود باید ملاحظه کند . اول جوانی و قد، ثانی علاقه و اعتبار بقدر متعارف . ثالث از اهل محل خود نه داوطلب خارج . اگر در حالت امکان خواست بساختگی با صاحب منصب جزو، یا برشوت و اقسام دیگر بشروط مقرر رفتار نکند ضرر فاحش برای خود فراهم کرده است چرا که بحکم دیوان - رتیب و رئیس فوج سرباز او را اخراج خواهد کرد و سرباز خوب مطالبه میکند حق تشکی و تظلم برای او باقی نمی‌ماند و پذیرفته نخواهد شد . حتی المقدور سردسته و صاحب منصب دخیل در گرفتن سرباز محل نباید بشود و موافق وقت و موعدی که برای مطالبه کردن عوض غایب و متوفی و فراری دستور العمل داده شده، بصاحب هر محلی قبل از موعد احضار بفاصله دو ماه اعلام میکند و در سر موعد بمطالبه برمیآید - اگر بعد از اعلام تا سر موعد صاحب محل اهمال کرده و سرباز خود را حاضر نسازد درینوقت حق صاحب منصب و مأمور دیوان است که با کمال تشدد و سختی سرباز را بگیرد . آنچه صاحب محل خود سرباز خود را پادار کرده میدهد صاحب منصب

۱ - این اندازه‌ها بنا بر واحد مقیاس امر و بی ترتیب چنین خواهند بود :

۱/۸۲ متر و ۱/۶۰ متر و ۱/۳۶ متر

ضمانت‌نامه از او بگیرد. آنچه بحکم ضرورت صاحب‌منصب خود سرباز فلان محل رامعین کرده باشد و از شرایط آن اطمینان دارد حق صاحب محل است که از آن صاحب‌منصب ضمانت‌نامه بگیرد لاکن صاحب‌منصب مطلقاً دخیل سرباز محل نشود، خود مالک محل سرباز را بدهد و ضمانت هم خودش بکند. اگر الباء صاحب‌منصب را مالک دخیل میکند مأمور فوج از هر دو ضمانت‌نامه بگیرد.

حق خدمت و ساختاری فوج در هر نقطه که هست یکسال تمام است و دو فوج قزوین که عجلتاً بقراولی دارالخلافة مأمور و مشخص است هر کدام سالی بسر خدمت خود می‌آیند آن دیگری مرخص است.

موعد مأموریت و حکم متوفی و کسر فوج - فوجیکه مرخص‌خانه است از روز مرخصی که در دیوان سان میدهد. آنچه متوفی و غیره کسر داشته باشد تا دو ماه بموعد احضار مانده فرجه و فرصت صاحبان محل و رعایت مالک و رعیت است ده ماه کسی متعرض آنها نمی‌شود و در دو ماه آخر اعلام میشود که سرباز خود را تا یک ماه حاضر نمایند. اگر در یک ماه اول حاضر نشد مأمور و صاحب‌منصب فوج در یک ماه ثانی دیگر حق مطالبه و تشدد دارد.

فوجی که مأمور خدمتست و با عدد تمام سان میدهد تا ششماه آنچه متوفی و کسر بهم رساند در آخر ششماه صورت آن بمأمور ولایتی فوج فرستاده میشود یا با محصولی مخصوص روانه خواهد شد تا آخر ششماه ثانی بلکه یکماه قبل عوض متوفی و کسر ششماه اول را بسر خدمت حاضر نماید که هنگام سان مرخصی کسر ششماه اول داخل فوج شده و سان داده باشد.

آنچه از اول ششماه ثانی تا آخرین غایب و متوفی و فراری رو میدهد چون مرخص‌خانه هستند و فوج دیگر سر خدمت می‌آیند عوض متوفی و فراری این ششماه ثانی مطالبه نمی‌شود تا باز دو ماه بموعد احضار مانده.

رساندن مواجب و جیره سرباز، حق دیوان و مراقبت، حق رئیس فوج است لیکن استمراری محلی بفرخور هر محل موافق معمول ولایت حق صاحب محل است که کوتاهی نکرده کماینمغی مرعی دارد که مایه آسایش او بوده دل گرم سر خدمت بماند فرار نکند. اگر درینباب صاحب محل بدفع الوقت بگذراند و سرباز تشکی کند حق صاحب‌منصب و مأمور نظامی است که حکماً

استمراری را بگیرد و برساند قبض و اقباضی هم که سرساز از بابت مستمری محلی با صاحب محل میکند باید با اطلاع و مهر ملای محل سر دسته یا وکیل و سر جوقه معتبرین دسته باشد که طرفین حالت نکول و گفتگو بهم نرسانند. آنچه قرار شده است نه سر باز بتواند زیاده مطالبه کند نه صاحب محل بخواهد کمتر بدهد و اختلافی هم در حساب آنهاروی ندهد و با قبض صاحب منصب معامله نماید. خاصه وقت روانه شدن فوج باید از مستمری سر باز چیزی باقی نماند. مأموری که برای عمل فوج در ولایت خواهد بود یا محصولی که مأمور میشود یا صاحب منصب متوقف ولایت هر یک از فقرات نظامی را باید با اطلاع حکومتی انجام داده در هر امری از جزئی هر گاه بدون استحضار حکومتی رفتار نماید مورد مؤاخذه خواهد بود.

کتابچه قواعد سر باز قزوین است، محض اینکه اهالی ولایت این تشکیک را نمایند که در باب سر باز از صاحب منصب و غیره تعدی میشود حدودی برایستکار معین شده است که رئیس فوج و صاحب منصب جزو صاحبان محل تکلیف خود را دانسته بجای آورند در وقت و موعد حق تکلیف خود را بدانند. اگر از این حدود صاحب منصب تخلف کند رعیت حق تشکیک دارد. هر گاه صاحب محل تجاوز نماید تظلم او پذیرفته نخواهد شد و مأمور نظامی بتکلیف خود رفتار نماید مضمون این کتابچه را بمالک و صاحبان محل ابلاغ نمایند.

شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی